

تحلیلی بر پیشینه، تکوین و عملکرد بیت الحکمه و تأثیر آن بر شکوفایی تمدن اسلامی

محمد کشاورز بیضایی^۱

چکیده

تأسیس بیت‌الحکمه، تأثیر ژرفی بر فرایند نهضت ترجمه و شکوفایی علوم و تمدن اسلامی برجای گذاشت. شناخت عوامل و چگونگی تکوین این مرکز علمی و آموزشی و همچنین نحوه‌ی چینش و تعامل عناصر درونی آن می‌تواند در احیای هویت آموزشی، بازتولید و در عین حال کشف ظرفیت‌های نامکشوف این مرکز، آن هم در این برهه‌ی تاریخی مفید و رهگشا باشد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که عواملی نظیر: جایگاه سترگ علم و عالم در آموزه‌های اسلامی، تساهل و تسامح خلفای عباسی و توجه آنان -به‌ویژه مأمون- به دانشمندان، اهتمام خاندان برمکه به ایجاد صنعت کاغذسازی و تولید انبوه آن در جهان اسلام، حضور عناصر و خاندان فرهیخته‌ی ایرانی در درون بیت‌الحکمه و انتقال موارث آموزشی و فرهنگی ایرانیان به این مرکز، الزام به شناخت تمدن کشورهای پیرامونی در نتیجه‌ی توسعه و گسترش قلمرو اسلامی، در تکوین و رونق بیت‌الحکمه، نقش بسزایی داشته است. این جستار با رویکردی تاریخی و استعانت ممکن از منابع و مأخذ تاریخی، تلاش می‌کند پیشینه و عوامل شکل‌گیری بیت‌الحکمه و همچنین نوع فعالیت و عملکرد این مرکز آموزشی و تأثیر آن بر شکوفایی تمدن اسلامی را مورد بررسی و امعان نظر قرار دهد.

واژه‌گان کلیدی: بیت‌الحکمه، پیشینه، تکوین، تمدن اسلامی.

Analytical Study about Genesis, Background, and Function

In Bayt al-Hikma and its effect on flourishing of Islamic civilization

Abstract

Establishment of Bayt al-Hikma has a great effect on translation movement and flourishing of Islamic science and civilization. Recognition of the factors and circumstances behind this scientific and learning center and also the quality of ordering and interaction of elements could be advantageous in revival of didactic identity, reproduction, and the other capacities of that era. The findings of this research show the important factors in genesis of Bayt al-Hikma: the position of science and the scientists in Islamic doctrines, tolerance of Abbasid caliphs particularly Al-Ma'mun in their attention to the scientists, the efforts of Barmakids to the Papermaking and its mass production in Muslim world, attendance of Persian figures in Bayt al-Hikma and transmission of culture and didactic heritages to this center, and requirement in knowledge of peripheral civilization which is caused by

^۱ دکترای تاریخ ایران بعد از اسلام از دانشگاه تبریز، ایران. mbeyzai@yahoo.com

extension of Islamic territory. This research with historical approach and acceptance of historical resources tries to investigate background and factors behind formation of Bayt al-Hikma and function of this learning center and its effect on flourishing of Islamic civilization as well.

Key Words: Bayt al-Hikma, Background, Genesis, Islamic Civilization

مقدمه

با اضمحلال امویان توسط عباسیان و تثبیت و استقرار خلافت عباسی و همچنین انتقال مرکزیت خلافت از دمشق به بغداد، عصر جدیدی (۲۱۸-۱۳۶ ه.ق) از تحولات و دگردیسی‌های تاریخی، فرهنگی و علمی در جهان اسلام آغاز شد. عصری که بسیاری از محققان به شگفتی از آن یاد نموده و تحت عناوین و تعابیری چون: عصر زرین فرهنگ و تمدن اسلامی، عصر طلایی تمدن اسلامی، درباره‌ی آن آثار گوناگونی را به رشته‌ی تحریر درآورده‌اند. در این زمان خلافت گسترده‌ی عباسیان شامل سرزمین‌های «سند»، «خراسان»، «ایران»، «ماوراءالنهر»، «جزیره‌العرب»، «شام»، «مصر» و «مغرب» بود. بغداد به عنوان مرکزیت و پایتخت این امپراطوری گسترده، به مثابه‌ی پلی میان فرهنگ‌هایی چون فرهنگ ایرانی، هندی، سوری، مصری به طور کلی فرهنگ‌های شرق و غرب درآمد. این اختلاط، آمیزش و تماس جامعه‌ی عربی را با ملل مختلف و فرهنگ و تمدن آنان به دنبال داشت. در همین مرحله از تاریخ بود که بیت‌الحکمه تأسیس شد و نهضت ترجمه در شکوفایی آن، نقش ویژه‌ای به خود اختصاص داد. در چنین قلمرو پهنآوری، تأسیس کتابخانه‌ها، نهادهای آموزشی، نهضت ترجمه، بزرگترین اقدام در راستای جذب و آشنایی با علوم ملل متمدن چون: ایرانیان، یونانیان و هندوان و همچنین زمینه‌ی شکل‌گیری تمدن عظیم اسلامی بود. معرفی و شناخت مراکز، نهادهای آموزشی و به طور کلی چگونگی تعامل عناصر درونی این تمدن، می‌تواند در احیای هویت اسلامی و بازتولید و در عین حال کشف ظرفیت‌های نامکشوف آن در این دوره‌ی تاریخی رهگشا باشد.

آنچه درباره‌ی پیشینه‌ی پژوهش حاضر شایان ذکر بوده، این است که بیت‌الحکمه و نهضت ترجمه توجه محققان و نویسندگان را به خود جلب نموده است؛ لذا در این باره پژوهش‌های ارزنده و متعددی صورت گرفته است که کتاب‌های: «تفکر یونانی، فرهنگ عربی»، اثر دیمتری گوتاس، «نهضت ترجمه، انتقال علوم و تمدن سازی» اثر ابوتراب سیاه پوش از آن جمله است. همچنین مقاله‌های «بیت‌الحکمه فی بغداد»، اثر سلیم طه تکریتی - که در مجله‌ی المورد شماره‌ی چهارم سال ۱۹۷۹ میلادی، به چاپ رسیده است-، «نقش بیت‌الحکمه و تأثیر آن بر غنا بخشی فرهنگ و ادب عربی در عصر اول عباسی» از منوچهر نصیرپور، «بیت‌الحکمه و نهضت ترجمه در عصر عباسی»، اثر رمضان رضایی حاوی مطالب مفیدی در این باره است و این پژوهش در حد امکان از این آثار بهره‌مند شده است. با این همه این آثار به شکلی جامع و مبسوط، به بررسی پیشینه و چگونگی تکوین بیت‌الحکمه و نوع فعالیت این مرکز و تأثیر آن در فرایند شکوفایی تمدن اسلامی

نپرداخته‌اند و راه را برای پژوهش و بررسی بیشتر باز گذاشته‌اند. از این رو این جستار بر آن است تا با تکیه بر منابع و مأخذ موجود، گامی هر چند محدود برای شناساندن بهتر تاریخچه‌ی بیت‌الحکمه و چگونگی فعالیت این مرکز و تأثیر آن بر شکوفایی تمدن اسلامی بردارد. روش این پژوهش توصیف-تحلیلی بوده و برای گردآوری اطلاعات از شیوه‌ی کتابخانه‌ای استفاده شده است.

جایگاه علم و تفکر در اسلام

تفکر و دانش در اسلام جایگاه و پایگاهی بس ارجمند و عظیم دارد. اسلام آیینی است که با «إقراء» آغاز می‌شود. پروردگارش در قرآن کریم «قلم» سوگند می‌خورد و سوره‌ای به این نام نازل می‌شود. پیامبرش برای کسب علم؛ زبان، زمان و مکان نمی‌شناسد و در تعلیمش از گهواره تا گور و از مدینه تا چین را حداقل مرزهای زمانی و مکانی کسب دانش معرفی می‌نماید (یوسفی، ۱۳۸۸: ۲۷۰). اصل کلمه‌ی «علم» هشتاد بار در قرآن کریم در مواضع گوناگون تکرار شده و مشتقات آن نیز نظیر: «یعلمون» و «یعلم» و غیره بارها به کار برده شده است. قرآن کریم عقل را نیرویی می‌داند که انسان در امور دینی از آن بهره‌مند می‌شود و افراد را به معارف حقیقی و اعمال شایسته رهبری می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲ / ۲۵۰). همان‌طور که آیات سوره‌ی قلم، اولین نشانه‌ی ارتباط معنوی است بین قدرت صمدی و رسول امت که عنایت الهی وی را برگزیده بود، می‌باشد، آیاتی که داستان ارتباط متعلم با معلم را در جهت فراگیری حکمت صادقانه و رابطه با زندگی بیان می‌دارد، به صورت اصرار حضرت موسی (ع) به استادش خضر که خداوند به وی علم و حکمت عطا نموده، برای یادگیری نمود می‌یابد. حکمت، علم به همه چیز است؛ همان‌گونه که خداوند خضر عیسی (ع) را مورد خطاب قرار می‌دهد: (و اذ علمتک الکتابه و الحکمه و التورات و النجیل) و قال: (و من یؤت الحکمه فقد أوتی خیراً کثیراً) حکمت بنا بر تفسیر مضمون، علم به قرآن و نبوت است. این آیه همچنین بیان می‌دارد کسی که حکمت به وی عطا شود، به خیر و پیشرفت و تمدن روی می‌آورد (ناجی، ۱۳۹۰: ۴۲۸). متفکران اسلامی عقل و وحی را جدا از یکدیگر نمی‌دانستند و در عین ایمان و تسلیم به خدا، جهان را به دیده‌ی عقل و خرد می‌نگریستند و از آن تفسیری عقلانی می‌کردند و در این راه از میراث فکری خود نیز سود می‌جستند (فانی، ۱۳۶۰: ۱۹). سرزمین‌هایی که مقدر بود جزئی از جهان اسلامی قرون وسطی شود -از ماوراءالنهر تا اندلس- در ظرف مدت یک قرن پس از وفات پیامبر (ص)، روی هم رفته به صورت یک جهان روحانی درآمدند. وحی مندرج

شده در قرآن و تعبیر شده به زبان مقدس عربی، قالب وحدتی بود که در آن بسیاری از عناصر خارجی، بر وفق روح جهان اسلام، داخل و جذب شد (نصر، ۱۳۵۱: ۱۲).

هر چند اعراب پیش از اسلام، از ادبیات مکتوب بی بهره بودند؛ ولی از زبانی برخوردار بودند که به داشتن گنجینه‌ای بسیار غنی از واژه‌ها ممتاز بود (صفا، ۱۳۴۶: ۱۸۸). این عنصر زبانی در کنار تفکر دینی و اسلامی، تحول عظیمی در جذب دانش ملل گوناگون و همچنین اشاعه‌ی آن در سرزمین‌های اسلامی فراهم نمود.

پیشینه و نوع فعالیت بیت‌الحکمه

در قرن اول ه.ق، اسکندریه مرکز علم و فلسفه‌ی یونان، و نیز محل تلاقی یونانی‌مآبی با تأثیرات شرقی و مصری قدیم شده بود، و از همین مرکز بود که مکتب‌های هرمنسیگری و نوافلاطونیگری برخاست. میراث یونانی - که خود تا حد زیادی مجموعه‌ی نظرهای مدیترانه‌ای قدیم بود که با قدرت بحث خاص یونانی، منظم و منسق شده و صورت فلسفی پیدا کرده بود- از اسکندریه به انطاکیه، و از آنجا به میانجیگری مسیحیان یک طبیعتی و نسطوری، به نصیبین و ادسا (رها) انتقال یافت. مخصوصاً نسطوریان در گسترش معرفت یونانی و عموماً به صورت ترجمه‌های سریانی، در سرزمین‌هایی چندان دور مانند ایران، نقش مهمی بر عهده داشتند (نصر، ۱۳۵۱: ۱۲). در قرن سوم ق. م، شاپور اول شهر جندی‌شاپور را در محل شهری قدیمی نزدیک اهواز کنونی تأسیس کرد تا اردوگاه اسیران جنگی باشد که در جنگ با والرینوس به چنگ ایرانیان افتاده بودند، این اردوگاه به تدریج بزرگ شد و به صورت شهر مهمی درآمد که مرکز علوم قدیم شد، و در آنجا این علوم به زبان یونانی و سانسکریت و بعد از آن به زبان سریانی تدریس می شد. مدرسه‌ای بر گرده‌ی مدارس اسکندریه و انطاکیه در جندی‌شاپور تأسیس شد که در آن پزشکی و ریاضیات و نجوم و منطق را، بیشتر از روی متون یونانی ترجمه شده‌ی سریانی، تعلیم می کردند؛ ولی عناصری از علوم ایرانی و هندی نیز در آن تدریس می شد. این مدرسه که تا مدت‌ها پس از روی کار آمدن خلفای عباسی دوام یافت، به صورت یکی از منابع مهم دانش قدیم در جهان اسلامی درآمد (همان، ۱۳-۱۲).

با استقرار نظام نو بنیاد اسلامی و تکامل درونی این اجتماع، رفته رفته نهادهای آموزشی به وجود آمد که نقش برجسته‌ای در پرورش و گسترش علوم و فنون داشت. نخستین مرکز مهم که به همین منظور تأسیس گردید و بیشتر به فلسفه و علوم ریاضی می پرداخت، بیت‌الحکمه نام داشت که در بغداد ساخته شد. این مرکز که به هزینه‌ی خزانه‌ی دولتی یا بیت‌المال اداره می شد، محل اجتماع دانشمندان و پژوهشگران و به ویژه مترجمان شایسته‌ای بود که کتاب‌های علمی و فلسفی یونانی را به عربی ترجمه کردند (رضایی، ۱۳۹۰: ۵۴).

درباره‌ی پیشینه و تکوین بیت‌الحکمه و همچنین نوع فعالیت و عملکرد این مرکز علمی، بین مورخان و نویسندگان اختلاف نظر وجود دارد. ابن ندیم از «بیت‌الحکمه» یا «خزانه‌الحکمه» به عنوان کتابخانه‌ی مشهور بغداد یاد می نماید که در زمان خلافت هارون‌الرشید ایجاد شد و در زمان

مأمون توسعه و گسترش یافت و مرکز تجمع دانشمندان و علما شد (ابن ندیم، ۱۳۸۱: ۱۶). از دیدگاه دلیسی اولیری در کتاب «انتقال علوم یونانی به عالم اسلامی»، بیت الحکمه، دارالعلم یا فرهنگستانی بود که مأمون آن را به اشاره‌ی «جبرائیل بن بختیشوع» طبیب ساخت و «حنین بن اسحاق» ریاست آن را بر عهده داشت و کار ترجمه و رواج آثار یونانی به عربی را انجام می‌داد (اولیری، ۱۳۷۴: ۲۵۸). دیمیتری گوتاس در رابطه با تاریخچه‌ی تأسیس بیت الحکمه و نوع فعالیت این مرکز بر این باور است که: «بیت الحکمه»، کتابخانه و احتمالاً دیوان اداری بود که در زمان منصور خلیفه‌ی عباسی تأسیس شد و فرهنگ ترجمه‌ی پهلوی به عربی را نهادینه کرد. در ایران ساسانی پس از اسلام، خزاینی به نام خانه‌های حکمت یا بیوت الحکمه در اداره‌ی دولت بودند که در آن‌ها کتاب‌های منظوم حاوی دانش تاریخی ایرانی، گزارش جنگ‌ها و پاره‌های مختلفی از آگاهی درباره‌ی زوج‌های مشهور عشقی، برای پادشاهان ساسانی نگهداری می‌شد؛ یعنی کتاب‌هایی بودند مشتمل بر ثبت منظوم شکوه ساسانی و بر طبق ایدئولوژی زرتشتی، ساسانی، هخامنشی (گوتاس، ۱۳۸۱: ۷۸-۷۷).

«بیت الحکمه» مرکزی برای ترجمه‌ی کتاب‌های یونانی به عربی، دانشگاهی برای تعلیم علوم اوایل یا قدما و مرکز همایش دانشوران نبود و فقط فضا را برای ترجمه‌ی کتاب‌های یونانی آماده کرد (همان، ۸۵-۸۳). از منظر جورجی زیدان، خلفای عباسی، اولین کتابخانه‌ی عمومی را در بغداد تأسیس نمودند و آن را «بیت الحکمه» نام نهادند. احتمالاً «هارون» مؤسس آن بود و ترجمه‌های عربی، متون طبی، علمی و اسلامی را در آن گردآوری نمود و «یحیی بن خالد برمکی» کتاب‌هایی به آن افزود. بعدها در دوره‌ی «مأمون» کتاب‌های یونانی، سریانی، فارسی، هندی و قبطی نیز بر کتاب‌های عربی آن افزوده شد (زیدان، ۱۳۷۳: ۳/ ۶۳۰). از دیدگاه احمد امین نیز، احتمالاً هارون الرشید، اساس «بیت الحکمه» یا «خزانه الحکمه» را که بزرگترین کتابخانه‌ی این عصر بود پی‌ریزی و مأمون آن را توسعه و به بالندگی رساند (امین، بی‌تا: ۲/ ۶۱).

طبق نظر بیشتر محققین، این بیت الحکمه بزرگتر از آن است که تنها خزانه‌ی کتب یا کتابخانه‌ای خصوصی یا عمومی باشد. شهرهای عراق و دیگر شهرهای اسلامی در دوره‌های پیش از تأسیس بیت الحکمه، در طول این دوره و یا بعد از آن، دارای کتابخانه‌ها و خزانه‌های کتاب بوده‌اند (ناجی، ۱۳۹۰: ۴۲۹). این مرکز در ابتدا با نگهداری و جمع‌آوری و ترجمه کتب از ملل مختلف تأسیس شد. اما فعالیت‌های دیگری نیز به آن اضافه شد؛ حضور «خوارزمی» و الحاق رصدخانه‌ی مأمون به آن

تأییدی بر این مطلب است. حضور «فراء»، نشان دهنده اهتمام این مرکز به علوم خودی (علوم نقلی)، متعلق به اعراب است. وجود «یوحنا بن ماسویه» دلیلی توجه این مرکز بر علوم طبّی، حضور «ابن رومی» در آن نشان دهنده‌ی علاقه او به فلسفه است. بزرگ‌ترین دلیل فلسفی بودن این مرکز حضور «کندی» در آن است. اکثر منابع بیان می‌کنند که ایرانیان از فعالان و گردانندگان این مرکز بوده‌اند (نصیرپور، ۱۳۸۸: ۱۴۳). بر اساس منابع موجود، این مکان تأثیری در ترجمه‌ی شعر غیرعربی به عربی نداشته است؛ اما در زمینه‌ی ادبیات منثور، توانست با بهره‌گیری از کتب ادب فارسی چون: «کلیله و دمنه» و تألیف کتب متأثر از آن چون: «ألف لیله و لیله» و «ثعله و عفره»، «سهل بن هارون»، «عیون الحکمه»، مأمون، «القائف» ابوالعلاء معری، «فاکمه الخلفاء و مناظره الظرفاء» «ابن عربشاه»، «الصادح و الباغم» «ابن الهتاریه» و یکی از رسایل «اخوان الصفا» و خلق شعر تعلیمی، تأثیرات فراوانی در ادبیات عربی برجای گذارد (نصیرپور، ۱۳۸۸: ۱۳۵).

بیت‌الحکمه، هم یک کتابخانه بود و هم مرکز ترجمه و هم مرکز پژوهش‌های علمی. در آنجا برخی به نسخه‌نویسی و استنساخ و برخی به کار ترجمه و گروهی به کار ترجمه اشتغال داشتند و از این گروه اخیر خوارزمی و برادران موسی را باید یاد کنیم که در ریاضیات و نجوم تحقیق می‌کردند و برای استفاده از کتابخانه و مطالعه و پژوهش به بیت‌الحکمه می‌آمدند. هر گروه از مترجمان «رئییسی» داشتند و از جمله‌ی دیگر کارکنان بیت‌الحکمه کتابداران «خازنان» و صحافان بودند و بر همه‌ی اینها رئییسی به نام «صاحب بیت‌الحکمه» ریاست می‌کرد. برای مطالعه‌کنندگان وسائل کار و مکان مطالعه مهیا بود (فانی، ۱۳۶۰: ۲۰). به نظر می‌رسد بیت‌الحکمه داری رصدخانه بوده، مأمون به رصد توجه داشته است. ابن ندیم از آلات رصد سخن می‌گوید و این که این وسایل در شهر حرّان استفاده می‌شده، سپس ساخت اینها در دولت عباسی گسترش یافته (از زمان مأمون تا به حال)، مأمون زمانی که می‌خواست رصد کند، نزد ابن خلف مرورودی می‌رفته تا برای وی ذات-الحلق (وسیله‌ای برای شناخت اوقات) را بسازد (ناجی، ۱۳۹۰: ۴۴۳). تعداد زیادی از علماء رصد نظیر: ابوسهل فضل بن نوبخت، محمد بن موسی خوارزمی در خدمت مأمون بودند و در این زمینه (اسطرلاب و زیچ) دارای تألیفاتی هستند.

آنچه تردید‌ناپذیر است اینکه بیت‌الحکمه عالی‌ترین مؤسسه‌ی علمی و کتابخانه‌ی آن روز بوده است و اینکه این کتابخانه تا چه هنگام دایر بوده است؛ آنچه از نوشته‌ی صاحب طبقات و دائره‌المعارف اسلامی استنباط می‌شود این کتابخانه تا سده‌ی هفتم هجری باقی بوده و صاحب طبقات در بیوگرافی یکی از مترجمین کتابخانه به نام «حنین» از کتاب‌های همان کتابخانه استفاده کرده است و در حمله‌ی تاتار از میان رفته است. پس از تأسیس بیت‌الحکمه در بغداد، دیگران هم به فکر تأسیس کتابخانه افتادند. به عنوان نمونه از آنها کتابخانه‌ی شاپور وزیر بهاء‌الدوله را می‌توان نام برد که پیش از ده هزار جلد کتاب داشت؛ ولی در سال ۴۴۷ه.ق، در آتش‌سوزی بغداد تمام کتابهای آن از بین رفت (ثقفی، ۱۳۸۰: ۴۵). فعالیت بیت‌الحکمه، روح رقابت را در ترجمه و تألیف برانگیخت.

همانگونه که به فرهنگ جدید عربی - اسلامی، ابعاد جدیدی بخشید که عمیقاً ریشه در جامعه‌ی عربی و اصالت تمدن بابلی و آشوری و آرامی و غیره داشت، در جهت تمرکز بخشیدن به تلاش گروه‌ها و نژادهای مشرق جهان اسلام به آنها یاری می‌رساند. به خصوص در زمان مأمون که راه به تمامی، برای مناقشات فلسفی، منطقی و آزادی اندیشه باز نمود. در هر حال بیت‌الحکمه با گرد هم آوردن علما، اطبا و مترجمان بی نظیر، فضایی را مهیا ساخت که قواعد و ارکان تحقیق علمی را ایجاد و تألیف‌های نیک را فراهم نمود (ناجی و آجرلو، ۱۳۹۰: ۱۰۹).

نقش و تأثیر بیت‌الحکمه در پیشرفت تمدن اسلامی از دو راه صورت گرفت؛ یکی با ادامه‌ی کار بیت‌الحکمه در قالب خزانه‌الحکمه‌ها، دارالعلم‌ها و دارالحکمه‌ها و مؤسساتی که در ادامه‌ی بیت‌الحکمه‌ها و یا به موازات آن تأسیس شدند؛ و راه دیگر نقش مترجمان و دانشمندانی بود که سنت بیت‌الحکمه را ادامه دادند و با تصحیح، نقد و تفسیر و پژوهش و اشکال بر کار برارزش گذشتگان، به تصحیح آن‌ها پرداختند (سیاهپوش، ۱۳۹۰: ۱۹۸).

عوامل تکوین و شکل‌گیری بیت الحکمه

شکوفایی و رونق بیت الحکمه معلول عوامل چندی بود که از میان آن می‌توان به عوامل ذیل اشاره نمود:

-رونق کارگاه‌های کاغذ سازی

تا قبل از اختراع کاغذ عمدتاً سنت شفاهی و گفتاری بر علوم مرسوم حاکم بود و به تدریج نظام نوشتاری با ثبت دانسته‌ها به روی پوست‌های دباغی شده رایج شد با فتح مصر توسط مسلمانان تا مدتی کاغذهای به نام پایپروس جای پوست را گرفت؛ اما از مصائب و دشواری‌های این نظام نوشتاری نکاست فتح سمرقند نقطه‌ی عطفی در امر نظام نوشتاری و مسائل مربوط به آن به شمار می‌رود با فتح سمرقند مسلمانان به کارگاه‌های کاغذسازی و همچنین شیوه‌ی تولید آن دست یافتند و آن را به دارالعلم بغداد انتقال دادند (حدود العالم من المشرق الی المغرب، ۱۳۷۲: ۳۳۳). با ساختن کارگاه‌های کاغذسازی در بغداد با اهتمام و مساعی یحیی بن خالد برمکی (ابن خلدون، ۱۹۹۲: ۴۲۲-۴۲۱)، و مراکز دیگر، کاغذ به شکل انبوهی در جهان اسلام تولید و انتشار یافت. این مسأله تحول ژرفی در امر انتشار، تدوین کتاب و نسخه برداری ایجاد و بستر مساعدی برای رشد، ترویج و تبادل علوم در میان جامعه‌ی اسلامی فراهم نمود.

وجود انبوه کتاب‌های گسیل شده به مرکز خلافت، به همراه رواج کاغذ که از مهمترین پدیده‌های این عصر به شمار می‌آید و به دنبال آن، ترجمه‌ها و نسخه‌های متعددی که رونویسان (نسخاخوان و وراقان)، از آنها تهیه می‌کردند تأسیس مکانی برای حفظ و نگهداری آنها را ضروری می‌نمود. از این رو کتابخانه‌ای عمومی در مکانی فراخ با درهای گشوده و اتاق‌هایی مملو از کتاب به نام «بیت الحکمه» بنیان نهاده شد (خضر احمد، ۱۹۸۹: ۲۲).

– توجه، ترغیب و تسامح و تساهل خلفای عباسی به ویژه مأمون

نخستین گام‌های نهضت ترجمه با خلافت منصور (۱۳۶ه.ق) آغاز و با وفات هارون الرشید (۱۹۳ه.ق) به فرجام می‌رسد. یکی از ویژگی‌های این عصر حضور بی‌شائبه‌ی پزشکان، منجمان و برخی ادیبان در دربار خلافت اسلامی و توجه و اهتمام بیش از پیش خلفا به تنجیم، پزشکی، علم سیاست، قصص و ادبیات و زندگی شهریاران است (جان احمدی، ۱۳۹۱: ۱۱۰). ابو جعفر منصور در فقه، لغت و حدیث سرآمد بود، اما به علوم حکمت، به‌ویژه پزشکی، ستاره‌شناسی، فلک و هندسه علاقه‌ی شدیدی داشت. وی نخستین کسی است که به پادشاه روم سفارش داد و کتاب‌های حکمت را درخواست نمود. پادشاه روم نیز کتاب کتاب اقلیدس و تعدادی کتاب طبیعیات برایش فرستاد (حاجی خلیفه، ۱۹۴۱: ۲/۶۷۹؛ ابن خلدون، ۱۲۸۴، ۱/۴۰۱). وقتی مسلمانان با رومیان می‌جنگیدند و برخی از سرزمین‌های آنان را تصرف کردند، توجه ویژه‌ای به علم و معارف آنان نشان دادند. زمانی که هارون الرشید دو شهر عموریه و آنکارا را تسخیر نمود، دستور داد از کتابخانه‌ی آن شهر محافظت کنند و دانشمندان و مترجمان را از بغداد برای گزینش کتاب‌های آن دو شهر که در میان ملت‌ها کمیاب بود آوردند. آنان نیز کتاب‌های پزشکی، فلسفه و هیئت را که کمیاب بود انتخاب نمودند و به بغداد آوردند. هارون الرشید سرپرستی این کتاب‌ها را بر عهده‌ی یوحنا بن ماسویه (م ۲۴۳ه.ق/ ۸۵۷م)، که بزرگترین پزشک زمان خود بود سپرد و برای او دستیارانی در ترجمه مشخص کرد (قفطی، ۱۳۷۷: ۲۴۹، ابن ابی اصیبعه، ۱۲۹۹: ۱/۱۷۵). قفطی در «تاریخ الحکما» درباره‌ی علم نوازی و تسلط یوحنا بن ماسویه بر امر ترجمه می‌نویسد: «یوحنا از بزرگترین دانشمندان زمان خود بود که در ترجمه مهارت داشت و به دانش کتاب‌هایی که ترجمه می‌کرد مسلط بود؛ به طوری که جلساتی که برای مناظره تشکیل می‌شد، با وجود این مرد در کامل‌ترین حد شکوفایی برگزار می‌شد. اهل علم و ادب در اطراف او گرد می‌آمدند و شاگردان زیادی به گردش جمع می‌شدند» (قفطی، ۱۳۷۷: ۲۴۹).

دوره‌ی بعدی با خلافت مأمون آغاز و به خلافت مقتدر ختم می‌شود. برخی از محققان تمام این دوره را «عصر طلایی» نامیده‌اند. قاضی ابوالقاسم احمد بن صاعد اندلسی، جنبش علمی زمان مأمون را اینگونه توصیف می‌نماید: «زمانی که خلافت به خلیفه‌ی هفتم عبدالله مأمون رسید وی آنچه را منصور آغاز کرده بود به پایان برد و به طلب دانش در جایگاه‌های آن روی آورد و از معادن آن دانش را استخراج کرد. به فضل همت شریف و نیروی اعتماد به نفس فراوانش، با پادشاهان روم

به برقراری رابطه پرداخت و برای آنان هدایای گران‌قیمتی به عنوان تحفه فرستاد و در مقابل هدایایش از آنان کتاب‌های فلاسفه را درخواست کرد. پادشاهان روم آنچه از کتاب‌های افلاطون، ارسطو، بقراط، جالینوس، اقلیدس و بطلمیوس و سایر فلاسفه داشتند فرستادند. این کتاب‌ها ترجمه شد. او مردم را به خواندن آنها ترغیب می‌کرد و به فراگرفتن آنها تشویق می‌نمود (امین، ۱۳۸۷: ۲۲۰-۲۱۹).

مأمون، جمعه، نیمه‌ی ربیع‌الاول سال ۱۷۰ه.ق، به دنیا آمد؛ شبی که «هارون» خلیفه شد و برادرش «موسی» مرد! (خطیب بغدادی، ۱۹۳۱: ۱۰/۱۸۳). مادرش «مراجل» از خانواده‌های بزرگ و با اصل و نسب ایرانی بود (رفاعی، ۱/۱۹۲۸: ۲۱۰). وی تحت تأثیر تربیت این مادر ایرانی و همچنین تربیت خاندان برمکی، مردی روشن بین، متفکر و دانش دوست به بار آمد. مترجمان آثار فلسفی نزد او احترام خاصی داشتند؛ لذا با توجهات وی دوره‌ی درخشان ترجمه‌ی آثار یونانی و پهلوی و سریانی به عربی شروع شد؛ اما آنچه مربوط به زبان پهلوی بود بیشتر مورد توجه مأمون قرار می‌گرفت (ورزگر، ۱۳۷۳: ۳۲۲). مأمون به برپای مناظره و مباحثه بین علما و دانشمندان، اهتمام و علاقه‌ی ویژه‌ای داشت. وی بسیاری از جدلی‌ها و نظاری‌ها نظیر: «ابوهذیل علف» و «ابو اسحاق ابراهیم بن سیار نظام» را به همراه مخالفانشان در یک مجلس جمع می‌کرد (ضیف، بی تا: ۳/۱۰۶). از نظر فکری تکیه‌گاه او مکتب تفکر التقاطی بود که نماینده‌اش دانشگاه جندی شاپور به شمار می‌رفت. او ترجمه و بررسی آثار فلسفی و علمی یونانی را با ایجاد دانشگاهی در بغداد به نام بیت الحکمه تشویق و حمایت نمود (گیپ، ۱۳۶۲: ۶۶).

میان مأمون و پادشاه روم مکاتبه برقرار بود. مأمون نامه‌ای به او نوشت و از او خواست که اجازه دهد که کتاب‌هایی که از علوم قدیم از آنجا بر جای مانده برای وی بفرستند. پادشاه روم بعد از امتناع، سرانجام به این کار رضایت داد و مأمون برای آوردن کتاب‌ها، هیأتی را بدانجا گسیل کرد که از آن جمله: حجاج بن مطر، و ابن طریق و سلم، صاحب بیت‌الحکمه بودند (امین، بی تا: ۶۲).

حاجی خلیفه در کشف‌الظنون در بیان احوال مأمون و اهتمام وی به علوم و حکمت می‌نویسد: «و بعد از او مأمون آمد در حالی که علاقه‌ی بسیاری به دانش داشت. او برای به دست آوردن دانش‌های یونانی و استنساخ آنها به عربی، فرستادگانی به سوی پادشاه روم گسیل داشت و مترجمان را بر آن کار واداشت. آنان نیز آگاه شدند و نیز فرا گرفتند و صاحب‌نظرانی از مسلمانان بر این کار مسلط شدند و به فنون آن خدمت کردند. نظریات آنان در آن دانش‌ها به حد اعتلای خود رسید و

با بسیاری از نظریات معلم اول مخالفت کردند و آن را مورد جرح و تعدیل قرار دادند و مجموعه‌های بسیاری درباره‌ی آن تدوین کردند (حاجی خلیفه، ۱۹۴۱: ۶۸/۲). گفته‌اند که مأمون برای ترجمه سیصد هزار دینار صرف کرد. بنی منجم به گروهی از مترجمان در ماه پانصد دینار می‌داده‌اند. فتح بن خاقان پول فراوانی برای گروهی در ترجمه، تألیف و دستیابی به کتاب‌ها هزینه کرد. محمد بن عبدالملک زیات نیز در این کار کمتر از فتح بن خاقان نیست. او برای مترجمان و نویسندگان نزدیک به دو هزار دینار در ماه هزینه کرد (امین، ۱۳۸۷: ۲۲۷).

گفته می‌شود که محمد خوارزمی نیز به تنهایی سفری به بیزانس کرد. در بازگشت او به بغداد مترجم مشهور، ثابت بن قره، وی را همراهی کرد؛ سپس این مترجم در خانه‌ی خوارزمی مشغول کار گردید. برادران خوارزمی ماهانه حدود پانصد دینار به مترجمانی می‌پرداختند که در بیت‌الحکمه به کار مشغول بودند. آنها افزون بر ترجمه، تحقیقات ابداعی تازه‌ای در رشته‌های گوناگون علمی انجام دادند. بنوموسی احتمالاً مهم‌ترین عامل مستقلی بودند که نقش مهمی در تشویق مترجمان به ترجمه‌ی آثار غیر عربی داشتند؛ اما خود آنها نیز کارهای تحقیقی نو و مبتکرانه‌ای انجام داده‌اند. آن گونه که در منابع گزارش شده است این سه برادر حدود ۲۰ کتاب و نیز رساله‌هایی در زمینه‌های ریاضیات، نجوم و مکانیک نوشته‌اند که از میان آنها سه اثر باقی مانده است. یکی از آنها که بخش عمده‌ی آن را احمد تألیف کرده است رساله‌ای است بسیار ارزشمند در زمینه‌ی ماشین‌ها و ابزارهای خودکار (هیل، ۱۳۹۳: ۲۷).

مسلمانان برخی از تجربه‌ها را در مساحت تطبیقی انجام دادند و دایره‌ی نصف‌النهار را محاسبه کردند. این کار به دست مأمون خلیفه انجام شد که برای این کار دو گروه را معین کرد؛ یکی از آن دو در صحرای سنجار مشغول به کار بود و گروه دیگر در صحرای تدمر. نتیجه‌ی کار هر دو گروه یکی بود و برای افتخار مسلمانان همین کافی است، نتیجه‌ای که آنان به آن دست یافتند، به آنچه امروز می‌دانیم نزدیک است و می‌توانیم آن را دقیق‌ترین نتیجه‌ای بشماریم که دانشمندان - قبل از عصر کنونی - به آن دست یافته‌اند (امین، ۱۳۸۷: ۲۲۹).

لازم به ذکر است که این دستاوردها همگی در سایه‌ی تساهل و تسامح این دسته از خلفا و عدم تنگ فکری و جزم‌اندیشی آنان حاصل شد؛ چنانچه بر بیت‌الحکمه آزادی تامی غالب بود و اثری از تعصب مذموم و یا جمود و سخت‌گیری نبود. اصحاب فلسفه که با آزادی تمام و صراحت مناظره می‌کردند، در بیت‌الحکمه بالیدند. پیروان ملل و نحل بدون ترس و محدودیتی درباره‌ی آراء و اعتقادات خود ابراز نظر می‌کردند. یکی از چیزهایی که مؤید ماست این است که در میان افراد بیت‌الحکمه کسانی از سریانیان نصرانی مذهب بودند که جایگاه رفیعی در نزد خلیفه داشتند و علمای بزرگ مسلمانان نسبت به آنان، تواضع می‌کردند و از آنها علم می‌آموختند و از اقوال و آرایشان بهره می‌بردند. آنان در نهایت آزادی شعائر خود را به جای می‌آوردند، از اعتقاداتشان در کمال صراحت دفاع می‌کردند و با مسلمان مناظره می‌کردند و چه بسا این کار در مقابل خود خلیفه اتفاق می‌افتاد

(امین، ۱۳۸۷: ۲۳۹). به هر حال، همین فعالیت‌های عقلی و فکری خلفای عباسی، - به‌ویژه مأمون - بود که موجب شد سهم مهمی در پیدایش علم عربی داشته باشند. آنها قسمت اعظم ثروت و نیرویشان را صرف جستجو و کاوش برای یافتن آثار نویسندگان باستانی کردند؛ هیأت‌هایی را به بیزانس فرستادند تا آثار آنان را بیابند و به بغداد بیاورند.

نهضت ترجمه در جهان اسلام که یکی از درخشان‌ترین موارد تاریخ انتقال فکر بشری است، حاصل همت و کار خالصانه و پرشور معدودی مترجم شیفته و حمایت بی دریغ و بی شائبه‌ی دولتی بود که اندک زمانی، تنگ نظری و خام‌اندیشی را به کنار نهاده بود. در کمتر از صد سال تقریباً تمام آثار اساسی آن زمان به عربی ترجمه شد و میراث گذشتگان در اختیار محققان و متفکران اسلامی قرار گرفت تا از آن توشه بگیرند و آنگاه خود بیاندیشند و بنیانی تازه درافکنند (ثقفی، ۱۳۸۰: ۵۳).

- حضور عناصر و خاندان ایرانی و انتقال موارث فکری و فرهنگی ایرانیان

قیام عباسی‌ها موفق به تأسیس بنیادی سیاسی در حکومت گردید که مورخان آن را قیام امت‌ها توصیف کرده‌اند. به این معنی که در ابزار و اسبابش از سویی تنوع نژادی و فرهنگی را داراست و از سویی دیگر از وحدتی سیاسی در ارتباط با انقلاب و تغییر در وضعیت سیاسی - از سیاست تعصب قبیله‌ای گرفته تا سیاست فضای باز و تنوع سیاسی، اداری و تمدنی - برخوردار است.

دولت عباسی، دولت مؤسسات سیاسی و مدنی بود که در به جنبش واداشتن آنها، همه‌ی اقوام از عرب، فارس، ترک، هند، بربر، - به‌ویژه فارس‌ها - دست داشتند و فرهنگ‌های متعددی در آن نفوذ کردند. مسلمانان در کنار زرتشتی‌ها، مسیحیان، یهودی‌ها و دیگر ادیان زندگی مسالمت‌آمیزی داشتند. با تکیه بر توصیفات شهرنشینان مسلمان، عرب‌ها وقتی به شهرهای کوچک و بزرگ جهان اسلام رسیدند به این اعتبار که این شهرها متعلق به دوره‌ای غیر اسلامی است، اقدام به تخریب آنها نکردند. شهر استخر هنوز دارای قهندز - نماد ساسانیان - بود. آن‌ها اعلام تسامح دینی نمودند. از این رو آتشکده‌ها را که نشان عمرانی بودند و اشاره به زرتشت و زرتشتی‌ها داشتند را نابود نکردند (ناجی و آجرلو، ۱۳۹۰: ۹۹-۹۸). از این رو، تعامل تمدن اسلامی با تمدن ایرانی سازنده و دوسویه است. هر چند تمدن اسلامی عصاره و چکیده تمامی تمدن‌های اقوام مسلمان است و از همه آن‌ها تأثیر پذیرفته است، ولی بیش از همه مرهون تمدن ایرانی است. وجود کتابخانه در دربار پادشاهان پیشینه‌ی دیرینه‌ای دارد و به زمان پادشاهان قدیم ایران می‌رسد. خلفای سرزمین اسلامی نیز هریک کتابخانه‌ای داشتند؛ چنان که معاویه بن ابوسفیان، بیت یا کتابخانه‌ای داشت که در آن

کتاب‌های مربوط به پادشاهان گذشته نگهداری می‌شد (مسعودی، ۱۳۶۵: ۲/۳۳). به گفته‌ی جرجی زیدان ایرانیان پیش از اسلام، کتابخانه‌هایی در سرداب‌ها و پستوها داشته‌اند و کتاب‌هایشان از پوست و به خط پهلوی بوده است (زیدان، ۱۳۷۲: ۳/۶۳۶). با دستیابی مأمون به کتابخانه‌ی عظیم ساسانیان که یزدگرد سوم از مداین به مرو آورده بود، توجه وی به علوم مختلف مضاعف شد (ابن طیفور، ۱۳۸۸: ۸۶).

بی‌تردید ایرانیان در تأسیس بیت‌الحکمه نقش بسزایی ایفا نمودند؛ چنان‌که بسیاری از رؤسا و کارمندان بیت‌الحکمه ایرانی بودند که در کار ترجمه و تدوین کتاب نیز فعالیت داشتند. از میان ایرانیانی که تصدی ریاست بیت‌الحکمه را داشته‌اند می‌توان به کسانی چون: «سلم»، (ابن ندیم، ۱۳۶۶: ۵۴۲)، «سهل بن هارون» (همان، ۱۹۸)، «یوحنا بن ماسویه (فخری، ۱۳۷۳: ۲۰)، «ابوزید حنین بن اسحاق» (ابن جلجل، ۱۳۴۹: ۱۴۲)؛ و از میان کارمندان ایرانی که در این مرکز فعالیت داشته‌اند می‌توان به کسانی نظیر: «ابوسهل فضل بن نوبخت» (ابن ندیم، ۱۳۶۶: ۴۹۲)، «علان شعوبی» (همان، ۱۷۵)، «ابوعلی یحیی بن ابی منصور» (ابن خلکان، ۱۳۴۷: ۶/۷۹)، «خاندان بنوموسی بن شاکر خراسانی؛ یعنی برادر: محمد، احمد و حسن» (آرنولد و آلفرد گیوم، ۱۳۲۵: ۳۲۲)، «ابوزکریا یحیی بن بطریق یا امین دارالترجمه» (ابن جلجل، ۱۳۴۹: ۱۴۰)، و همچنین «محمد بن موسی خوارزمی، دانشمند برجسته علم ریاضی جهان و منجم مأمون (قفطی، ۱۳۷۱: ۳۹۰) اشاره نمود. حضور این همه دانشمند ایرانی در این مرکز، و حجم گسترده‌ای از تألیفات آنان، حاکی از نفوذ خیره‌کننده‌ی فرهنگ و دانش ایرانی در بیت‌الحکمه است.

ایرانیان پس از ورود اسلام با وجود اینکه مسلمان شدند و دین اسلام را برگزیدند؛ اما همواره به دلیل فرهنگ و تمدن غنی که نسبت به اعراب داشتند و حس برتری که از این جهت نسبت به اعراب بیابانگرد احساس می‌کردند، با نظام سیاسی موجود و حاکم که از سوی اعراب بر آنان تحمیل شده بود، مخالف بودند و خواهان استقلال خود. آنان که که از نظر نظامی شکست خورده و ضعیف شده بودند، همواره سعی می‌کردند که از لحاظ سیاسی و فرهنگی در ساختار حکومت و قدرت وارد شوند. ساختار حکومت امویان ضد ایرانی بود و در واگذاری مشاغل و مناصب سیاسی، مجالی برای عرض اندام به ایرانیان و غیر اعراب نمی‌داد. در واقع آنان یک حکومت نژادپرست عرب ایجاد کرده بودند و در منابع جدید نیز از آنان تحت عنوان «دولت عربی» نام برده می‌شود. این ضدیت به حدی بود که ایرانیان را با عباسیان همنوا کرد (جلالی‌پور، ۱۳۸۶: ۱۴۵).

در دوره‌ی اسلامی بسیاری از اعضای طبقات و خاندان‌های کهن و شریف ایران، اسلام آورده و در راه بسط و گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی کوشیدند و با توجه به تجربه و آگاهی عمیقشان از آیین و آداب اداری، حکومت‌داری حکمت و ادب که برآمده از محیط و پیشینه‌ی تمدنی و فرهنگی قومشان بود با پذیرش اسلام به مراکز قدرت نفوذ کردند و مناصب مهمی همچون دبیری و ریاست تشکیلات

اداری، وزارت، حکومت نواحی و شهرها را کسب کردند که خود زمینه‌ساز نقش‌آفرینی بیشتر ایشان در سرعت بخشیدن به آهنگ رشد و شکوفایی فرهنگ اسلامی گردید (بیات، ۱۳۸۹: ۳۴).

نخستین مردمی که در اسلام مدارس تأسیس کردند کردند امراء و بزرگان ایرانی بودند و اگر روایت فرنگیان مبنی بر اینکه مأمون موقع ولیعهدی در خراسان مدرسه‌ای دایر کرد درست باشد؛ باز هم نخستین مدرسه اسلامی در ایران (خراسان و نیشاپور) و با نظر ایرانیان بنا شده است و اگر جز این بود مأمون میبایستی پس از خلیفه شدن در بغداد مدرسه دایر کند و نکرد (زیدان، ۱۳۷۲: ۳/۶۲۶).

عباسیان از شرق ایرانی برآمدند. این حقیقت، عطف به هماهنگی و همخوانی بیش از پیش از پیش فرهنگی با نیمه‌ی شرقی امپراتوری - علی رغم تأثیرات یونانی - نشان می‌دهد که چرا ترجمه‌هایی که از زبان فارسی یا از برخی مطالب علمی هندی صورت گرفته است در میان نخستین آثاری قرار دارند که ما از آنها آگاهییم (روزنتال، ۱۳۸۲: ۱۶۲). بی تردید عباسیان در اداره‌ی امپراتوری گسترده‌ی خود از وزیران و مشاوران دانشمندان ایرانی بهره‌ی فراوان بردند. حضور و مشارکت ایرانیان در دستگاه عباسیان، به ویژه قیام آنان به گونه‌ای بود که از جانت آنان لقب «ابناء الدوله» یافتند. بنابراین عباسیان در وهله‌ی اول تحت تأثیر نهادهای دیوانی، سیاسی و علمی ایران قرار گرفتند. چنانچه مأمون با دستیابی به کتابخانه‌ی عظیم ساسانیان که یزدگرد سوم از مداین به مرو آورده بود بنیان بیت الحکمه خود در بغداد را برپایه و ساختار این نهاد ایرانی که مربوط به گذشته‌های آنان بود استوار نمود (ابن طیفور، ۱۳۸۸: ۸۶). در این میان، برامکه یکی از خاندان‌های ایرانی بودند که با تصدی مقام‌های مهم قدرت خلافت عباسی نظیر: وزارت در ایجاد فضای علمی و تشویق عالمان در امر ترجمه نقش بارزی ایفا نمودند. برامکه با روح خراسانی و فرهنگ مورث باستانی خویش از عصر ابومسلم و تأسیس خلافت عباسیان و عروج دربار بغداد و ایجاد مؤسسات فرهنگی و علمی و پرورش و انتقال تمدن و فرهنگ دست داشتند. برمکیان در جود و سخا و صفات حسنه و ثقافت خود در دنیای عرب آنقدر شهرت یافته بودند که اعراب در زبان خود برای این صفات از اسم ایشان فعلی را ساختند که بدان مثل می زند و می گفتند: (تبرمک الرجل) ای جاد و سخا (زیدان، ۱۳۷۲: ۴/۱۳۹). دونالد هیل نیز درباره‌ی قدرت و تبار این خاندان و تأثیر آنان بر تشویق دانش و علم‌اندوزی می نویسد: «برمکیان خاندانی ایرانی بودند که در دربار نخستین خلفای عباسی نفوذ و قدرت فراوانی داشتند. خالد بن برمک، وزیر منصور از این خاندان بود. آنان از

تبار رهبان بودایی بلخ بودند که مدت کوتاهی پیش از اینکه اعراب ایران را فتح کنند به دین زرتشتی گرویدند. برمکیان پس از اسلام آوردن به مقامهایی چون: وزارت، فرماندهی سپاه و امارت رسیدند. آنان در دوره‌ی خلافت هارون الرشید در اوج قدرت بودند، اما اندکی پس از آن در سال ۱۸۸ ه.ق، قدرتشان افول کرد. برمکیان دانش وسیعی در زمینه‌ی فرهنگ یونانی داشتند و تأثیر آنان در شروع نهضت ترجمه حائز اهمیت است» (هیل، ۱۳۹۳: ۲۶).

در هر حال ایرانیان با غور و ژرفاندیش در تعالیم اسلامی و استعانت از برخی موارد فکری و تمدنی خود در ساخت تمدن اسلامی، بویژه پی‌ریزی و رونق بیت‌الحکمه سهم شدند.

نتیجه‌گیری

بیت‌الحکمه در شکوفایی و غنای تمدن اسلامی و پیشرفت علوم، نقشی کلیدی و محوری داشته است. آبشخور و ریشه‌ی تاریخی بیت‌الحکمه به دوران ساسانی در ایران برمی‌گردد. دانشگاه جندی شاپور که تا مدت‌ها پس از روی کار آمدن خلفای عباسی دوام یافت به عنوان منبعی مهم در دانش‌های قدیمی در جهان اسلام درآمد. وجود کتابخانه در دربار پادشاهان گذشته به‌ویژه پادشاهان ایرانی مسبوق به سابقه بود. بی‌تردید عناصر و خاندان ایرانی نظیر: آل برمک در تأسیس بیت‌الحکمه نقش بسزایی ایفا نمودند. بسیاری از رؤسا و کارمندان بیت‌الحکمه ایرانی بودند. عباسیان نیز از خراسانی ایرانی برآمدند. آنان قدرت خود را از این منطقه توسعه دادند و از همان ابتدا تحت تأثیر فرهنگ و تمدن ایرانی قرار گرفتند. چنانچه مأمون خلیفه عباسی با دستیابی به کتابخانه‌ی بزرگ ساسانی که یزدگرد سوم از مداین به مرو آورده بود، بنیاد بیت‌الحکمه را بر پایه‌ی این نهاد ایرانی و سنت‌های مربوط به آن استوار گردانید. در این میان عواملی دیگر نظیر: تساهل و تسامح خلفای عباسی، ایجاد و رواج صنعت کاغذسازی در بغداد توسط برمکه و تولید انبوه آن در جهان اسلام، توجه و ترغیب خلفای عباسی نظیر هارون الرشید و مأمون به امر دانش و علوم زمانه، لزوم شناخت علوم مرسوم زمانه و ایجاد مکانی برای انباشت داده‌های علمی و فرهنگی، و همچنین گستردگی قلمرو عباسی و تعامل آن با قدرت‌های پیرامونی در تکوین و تأسیس این مرکز آموزشی (بیت‌الحکمه) تأثیر قابل توجهی داشت. به گونه‌ای که بیت‌الحکمه به مثابه‌ی زمینه‌ی مساعدی بود که بذره‌های نهضت ترجمه در آن ریخته شد و با آبیاری و مدیریت خوب دانشمندان این مرکز - که غالباً ایرانی بودند - به بار نشست.

فهرست منابع و مأخذ

- ابن ابی اصیبه، احمد بن قاسم، (۱۲۹۹)، عیون الانباء فی طبقات الاطباء، ج دوم، قاهره، مکتب الوهبیه.

- ابن جلجل، سلیمان، (۱۳۷۱)، طبقات الاطباء و الحكماء، ترجمه‌ی محمد کاظم امام، تهران: دانشگاه تهران.
- ابن خلدون، عبدالرحمان، (۱۹۹۲م)، تاریخ ابن خلدون مسمی العبر و دیوان المبتداء و الخبر، جلد چهارم، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن حوقل، (بی تا)، صورہ الارض، قاهره، دارالکتب اسلامی.
- ابن خلکان، شمس الدین احمد، (۱۳۴۷)، وفيات الاعیان و انباء الزمان، تحقیق احسان عباس، بیروت: دارصادر، الطبعه الاولى.
- ابن طیفور، ابوالفضل احمد بن طاهر، (۱۳۸۸ق)، بغداد فی تاریخ الخلفه العباسیه، بغداد: مکتبه-المثنی.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق، (۱۳۸۱)، الفهرست، ترجمه‌ی محمد رضا تجدد، تهران: اساطیر.
- استیپچویچ، الکساندر، (۱۳۷۳)، کتاب در پویه‌ی تاریخ، ترجمه‌ی رضا آژیر و حمید رضا بخشی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- آرنولد، سر توماس و آلفرد گیوم، (۱۳۵۱)، میراث اسلام، ترجمه‌ی مصطفی علم، تهران: کتابخانه‌ی ابن سینا.
- امین، احمد، (بی تا) ضحی الاسلام، ج دوم، بیروت: دارالکتب العربی.
- امین، میثاق، (۱۳۸۷)، بیت الحکمه، ترجمه‌ی رضا دادگر، فصلنامه‌ی پژوهشی مذاهب (میثاق)، سال دوم، شماره هفتم، تابستان ۱۳۸۷.
- اولیری، دلیسی، (۱۳۷۴)، انتقال علوم یونانی به عالم اسلامی، ترجمه‌ی احمد آرام، چ دوم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- بیات، علی؛ خسروی، محمد رضا، (۱۳۸۹)، «نقش خاندان‌های برجسته ایرانی در فرآیند تعامل دو فرهنگ ایرانی- اسلامی تا سده‌ی چهارم هجری، پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی»، سال چهل و سوم، شماره‌ی یکم، پاییز و زمستان ۱۳۸۹.
- ثقفی، سید محمد، (۱۳۸۰)، «علم و اندیشه در تمدن اسلامی؛ آکادمی بیت‌الحکمه»، درس‌هایی از مکتب اسلام، سال ۴۱، شماره‌ی ۸، آبان ۱۳۸۰.
- جلالی پور، بهناز، (۱۳۸۶)، کارگزاران تمدن اسلامی، گزارش یک کتاب، مجله‌ی کتاب ماه، تاریخ و جغرافیا، اسفند ۱۳۸۶.

- حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله، (۱۹۴۱)، کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، جلد دوم، آستانه.
- خطیب بغدادی، حافظ، (۱۹۳۱م)، تاریخ بغداد أو مدینه الاسلام، ج ۱۰، قاهره: المکتبه الحاجی.
- رفاعی، احمد فرید، (۱۹۲۸م)، عصر المأمون، ج ۱ و ۳، قاهره: دارالکتب المصریه.
- روزنتال، فرانتس، (۱۳۸۲)، در مقاله‌ی «نهضت ترجمه، گفتگوی میان تمدن یونانی و تمدن اسلامی»، ترجمه‌ی نگار ذیلابی، فصلنامه‌ی تاریخ اسلام، سال چهارم، شماره مسلسل ۱۵، پاییز ۱۳۸۲.
- زیدان، جرجی، (۱۳۷۲)، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه‌ی علی جواهر کلام، ج ۲ و ۳، چ هفتم، تهران: امیرکبیر.
- سیاهپوش، ابوتراب، (۱۳۹۰)، بیت‌الحکمه و نقش آن در تحول علوم و پیشرفت تمدن اسلامی، چ اول، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- صفا، ذبیح‌الله، (۱۳۴۶)، تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی تا اواسط قرن پنجم، تهران: دانشگاه تهران.
- ضیف، شوقی، (بی‌تا)، تاریخ الادب العربی العصر العباسی الثانی، ج ۴، قاهره: دارالمعارف.
- طباطبایی، محمد حسین، (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، چ پنجم، قم: انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین.
- فانی، کامران، (۱۳۶۰)، «بیت‌الحکمه و دارالترجمه»، مجله نشر دانش، شماره ۷، آذر و دی ماه ۱۳۶۰.
- فخری، ماجد، (۱۳۷۲)، سیر فلسفه در جهان اسلام، ترجمه‌ی اسماعیل سعادت و دیگران، چ اول، تهران: مرکز.
- قفطی، جمال‌الدین (۱۳۷۷)، تاریخ‌الحکما، بهمن دارابی، تهران: دانشگاه تهران.
- گوتاس، دیمیتری، (۱۳۸۱)، تفکر یونانی فرهنگ عربی، ترجمه‌ی محمد سعید حنایی کاشانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- گیپ، الکساندر راسکین هامیلتون، (۱۳۶۲)، درآمدی بر ادبیات عرب، ترجمه‌ی یعقوب آژند، چ اول، تهران: امیرکبیر.
- مجهول المؤلف، (۱۳۷۲)، حدود العالم من المشرق الی المغرب، به تصحیح و حواشی مریم میراحمدی و غلامرضا ورهرا، تهران: الزهرا.
- مسعودی، علی بن حسین، (۱۳۴۷)، مروج الذهب و معادن‌الجواهر، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده، ج دوم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ناجی، عبدالجبار؛ آجرلو، فرزانه، (۱۳۹۰)، «بخش‌های علمی و اداری بیت‌الحکمه»، مجله‌ی پیام بهارستان، دوره‌ی دوم، سال سوم، شماره‌ی ۱۱، بهار ۱۳۹۰.

- نصر، حسین، (۱۳۵۱)، علم و تمدن در اسلام، ترجمه‌ی احمد آرام، چ دوم، تهران: علمی و فرهنگی.
- نصیرپور، منوچهر؛ مجدی قره‌کوشن، حمیده، (۱۳۸۸)، «بیت الحکمه» و تأثیر آن بر غنابخشی فرهنگ و ادب عربی در عصر اول عباسی، انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، مجله «الجمعیه العلمیه الایرانیه للغه العربیه و آدابها»، العدد ۱۲، خریف ۱۳۸۸.
- ورزگر، مینو، (۱۳۷۳)، «سیر و تحول ترجمه در ایران از دوران کهن تا عصر مغول»، از مجموعه مقالات دومین کنفرانس بررسی مسایل ترجمه، به کوشش عباسعلی رضایی و کاظم لطفی‌پور ساعدی، تبریز: دانشگاه تبریز.
- هیل، دونالد راتلیج، (۱۳۹۳)، تاریخ تحلیلی علم و فناوری در جهان اسلام، ترجمه‌ی سعید رفعت-پناه، تهران: جوانه رشد.
- یوسفی، محمد رضا. ابراهیمی، رقیه، (۱۳۸۸)، «تعامل دو سویه‌ی تمدن اسلامی و تمدن ایرانی»، مجله‌ی پژوهش‌های اسلامی، دانشگاه ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال سوم، شماره‌ی پنجم، زمستان ۱۳۸۸.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی